

آینگتگو

دور افاده



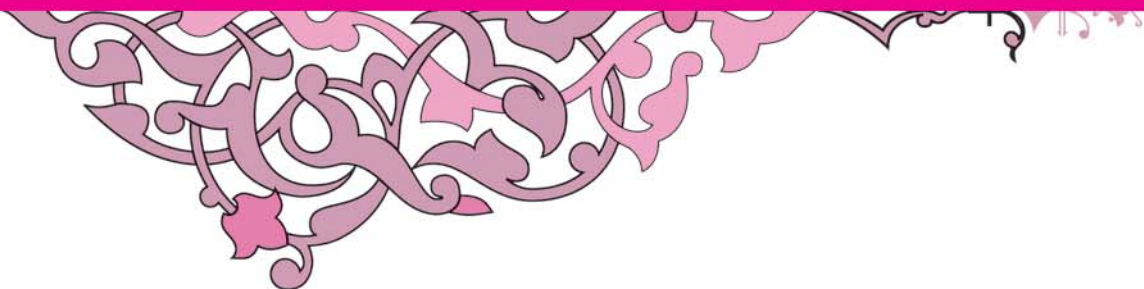
محمد جواد نجفی
(دانشیار دانشگاه قم)

اشاره

که دستاوردی برای نگرشی دوباره به کارکرد گفتگو در روند پیشرفت و ژرفا بخشیدن زندگی در روزگار آشفته کنونی، به دست آورد. این جستار آنجا برجستگی بیشتر می‌یابد که بنگریم در روزگار کنونی، در سنجش با همه روزگاران پیشین تاریخ، بیش از همیشه، دانشوران و دست اندرکاران کنش‌های کلان انسانی در ستایش گفتگو سخن گفته، چنان‌که آن را روش گشایش در باز کردن همه گره‌هایی می‌دانند که ابزارها کهن و نو در گشودن پرسمان‌های بشری می‌دانند، طرفه آن که این هزاره، با پیشنهاد ایران با سال گفتگوی تمدن‌ها آغاز شده است. بنابراین می‌توان عناوینی را بدین سان، سامان بخشید: اصالت گفتگو در قرآن، اهداف، روش‌ها، زان پس، به گفتگو در روش آموزش دین، پرورش انسان، پیوندهای اجتماعی، حدیث نفس پرداخت که هر یک، آئین و آداب ویژه خویش دارد. سپس فرجام گفتگو، شیوه‌ها و سرانجام آئین و بنیادهای فرمانروا در زمینه گفتگوست. گمان می‌رود در این نگاه‌ها کوتاه، تنها بتوان به نمونه‌هایی از ریشه داری و اصالت گفتگو در قرآن پرداخت.

شاید در نگاه نخست، چنین بنماید هنگامی که پیامی از سوی خدا برای راهنمایی انسان به سوی او، فرستاده می‌شود، تنها شماری فرمان‌های خدا در زمینه‌های گوناگون زندگی را در برداشته باشد ولی با اندک بررسی در قرآن کریم، روشن می‌شود این کتاب، سرشار از گفتگوست، چنان‌که تا آنجا که پاره‌ای از فرمان‌های خدا هم از رهگذر پرسش و پاسخ و گفتگو گوشزد شده است. در قرآن کریم، آشکارا شماری از آیات، به گفتگو، نگاهی ویژه شده است، چنان‌که در هنگامه سخن از آغاز پیدایش انسان، از گفتگوی خدا با فرشتگان در باره بایستگی آفرینش انسان، سخن به میان می‌آید و تا واپسین رخدادهای هستی که در قرآن از آن یاد شده، شیوه گفتگو، رومند است. گفتگوی خدا با گنهکاران و نیکوکاران در بهشت و دوزخ، باشندگان این دو با یکدیگر، نگهبانان هردو خانه نهایی با آنان، همه، کتاب را با گفتگو درمی‌آمیزد.

این نوشتار بر آن است که نمونه‌هایی یادآور گفتگو به گونه منزله روش، در پهنه‌های گوناگون زندگی را به یاد آوریم





اصالت گفتگو

در قرآن کریم، به گفتگو، رویکرد ابزاری نشده است، تنها به هنگام ناچاری بدان متوسل نشده است بلکه شیوه‌ای کارآمد برای پیشبرد هدفهای آفرینش به شمار آمده، پیش از کاربست هر ابزاری در گشایش کارها، به میان می‌آید و نمونه‌هایی از آن می‌تواند جایگاه این پدیده را در بستر دعوت پیامبران، به خوبی نشان دهد.

در قرآن، به هنگام فرمان به پیامبر برای آغاز دعوت و گسترش آن پیامبر را با ویژگی حکمت، پند و مجادله هریک شیوه‌ای از گفتگوست، وادار می‌سازد.

گفتگو در جایگاه تشریح

در سوره مجادله که از سوره‌های مدنی است و به یکی از هنجارهای جاهلی که مایه آزار زنان شده و بنیان خانواده‌ها را سست کرده، پرداخته است و به گفتگو یک زن با پیامبر که بستر ساز دگرگونی فرمان جاهلی و زدودن غبار ستم و برتری‌های بی‌جا از خانواده، شد، پرداخته و به شیوه ویژه‌ای به برجستگی آن نزد خدا، رهنمون شده است، در نگرشی ژرف به این رخداد تاریخی بایسته است بنگریم که چگونه پروردگار، گفتگوی بانویی، به ستوه آمده

از هنجارهای جاهلی با پیامبر را برجسته ساخته و رنگ جاودانگی می‌بخشد و فرمان خویش را از این رهگذر با زندگی مردم پیوند می‌دهد. در این سوره می‌خوانیم:

«قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ»،^۱ خدای، سخن بانویی را شنید که در باره همسرش، با تو گفتگو می‌کرد و به خدا، دادخواهی می‌کرد و خدا گفتگوی شما دو تن را می‌شنید و خدا شنوا و بیناست.

در این آیه، داستان بانویی ساده که گلایه‌مند از رفتار همسرش با پیامبر به گفتگو آمده و از همسرش و حکم جاهلی که بر پایه آن وی را از همسرش جداساخته، ناله می‌کند و خدا می‌فرماید این گفتگو را می‌شنود. نکته آنکه وجه زهیلی، مجادله را در اینجا، به گفتگو تفسیر می‌کند که بخش پایانی آیه هم از آن به گفتگو یاد کرده است.^۲

گفتگو در باره حکمی است ریشه‌دار و ستمیاره که زن امیدوار است پیامبر از سوی خدا در باره ناروایی‌اش، راهنمایی و داوری کند. چنانکه پیداست در بافت این آیه در آغاز سوره، گفتگو چندان اصالت می‌یابد که به

گفتگو در قلمرو قدرت

نمونه تاریخی از اصالت گفتگو را می‌توان در گزارش قرآن از رفتارهای ملکه سبا در فراگرد پاسخ‌گویی به نامه حضرت سلیمان پیامبر خدا، دید آن‌جا که ملکه سبا با دریافت نامه پیامبر خدا در گفتگو با هیأت حاکمه به ارزشهایی ماندگار و بنیادین پرداخته که بسی آموزنده است:

«قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلِّفْتُ بِالْكِتَابِ كَرِيمٍ (۲۹) إِنَّهُ مِن سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳۰) أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ مَا أَنُوتِي مُسَلِّمِينَ (۳۱) قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفُوتِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ (۳۲) قَالُوا نَحْنُ أَوْلُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ لِلَّذِي فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ (۳۳) قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَبَ أَهْلِهَا أَذَلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ (۳۴) وَإِنِّي مُرْسَلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَظَرُوهُنَّ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ»، ملکه سبا گفت: ای گروه برجستگان! نامه‌ای ارجمند، به سویم آمده است از سلیمان که با نام خدای مهربان و بخشنده، همراه است، که بر من برتری نجوید و رام و حق‌پذیر، به نزد آید؛ گفت ای بزرگان! در کارم رایزنی کنید که من کاری را بی شما، استوار، انجام ندهم، گفتند ما گروهی نیرومند و سخت استواریم ولی فرمان به دست شماست پنگر که چه دستور می‌دهید. او گفت: باری پادشاهان چون به سرزمینی، راه یابند، تباهش کنند و گرنامایگانش را خواردارند و پیوسته چنین می‌کنند و من ارمغانی به سوی او می‌فرستم تا ببینم فرستادگان با چه باز می‌گردند.

قرآن کریم از این نگرش با ارجمندی و شکوه یاد می‌کند که چگونه فرمانروایی با گفتگوی در درون سرای قدرت، آغازگر راهی می‌شود که به رستگاری خویش و رهایی مردمش می‌انجامد.

این نیز از شگفتی‌های زندگی انسان است که هر اندازه از توانایی و چیرگی بیشتری برخوردار باشد، بیشتر دچار خودخواهی شده، از هرگونه گفتگو تن می‌زند تا آن‌جا که گویند، آئین و اندیشه را به کام خود کامگی می‌کشند و از شکوفایی مردمان باز می‌دارند، فرمان‌روایی چه اندازه باید بر خویشتن خویش و خواسته‌هایش چیره باشد که خود را نیازمند گفتگو با همگنان و همراهان خویش ببیند و خود بی‌نیاز پنداری او را به گرداب سرکشی، فرو نیفکند.

قانونگذاری و گسیل فرمان‌های خدا هم راه یافته، پروردگار در پایان این گفتگو، دستوری برای زدودن ستم در روابط زناشویی صادر می‌کند. بدین سان چون قلمرو قانونگذاری از آن خداست و خود پروردگار آن را از راه گفتگو به بندگانش می‌آموزد، می‌تواند این بنیان استوار را، در زمینه‌های دیگر زندگی که رویه فرادینی دارد، گسترش دهد.

گفتگو در میدان نبرد

تاریخ زندگی انسان نشان می‌دهد که جنگ زاییده بیرون رفتن انسان از گردونه خردگرایی و روی آوردن به خواست‌ها و نیازهای خود خواهانه و نابخردانه است و در پی آن راهی برای دادوستد خردمندانه از راه گفتگو نمی‌ماند و بیشتر از سوی نابخردان و خودخواهان بر دیگران، تحمیل می‌شود. ولی زندگی پیامبر خدا در روند پشتیبانی از مردم در برابر یورش جنگ سالاران، تنها آیین خردورزی پیامبر در قلمرو فرماندهی نبرد است.

در داستان جنگ احد چنان‌که زبانه همگان است پیامبر برای دفاع از مدینه با مردم به گفتگو نشست و پس از نگرخواهی، رأی مردم را در بیرون شدن از شهر برای نبرد با تبهکاران پذیرفت. بازگشت به دیدگاه سربازان در جنگ، از سوی هیچ فرماندهی پذیرفته نیست و جنگ، تنها میدان فرماندهی و فرمانبری است و گفتگو در آن راه ندارد ولی پیامبر بزرگوار در این موضوع بسیار سرنوشت‌ساز، با مردم گفتگو می‌کند و رأی آنان را بر خود برتری می‌بخشد و سرانجام شکست هم می‌خورد ولی به جای نکوهش مردم در اظهارنظری که به ناکامی انجامیده است، درست پس از جنگ خدا به پیامبرفرمان رایزنی، گفتگو و مشورت با مخالفان می‌دهد.

■ بازگشت به دیدگاه سربازان در جنگ، از سوی هیچ فرماندهی پذیرفته نیست و جنگ، تنها میدان فرماندهی و فرمانبری است و گفتگو در آن راه ندارد ولی پیامبر بزرگوار در این موضوع بسیار سرنوشت‌ساز، با مردم گفتگو می‌کند و رأی آنان را بر خود برتری می‌بخشد و سرانجام شکست هم می‌خورد ولی به جای نکوهش مردم در اظهارنظری که به ناکامی انجامیده است، درست پس از جنگ خدا به پیامبرفرمان رایزنی، گفتگو و مشورت با مخالفان می‌دهد. ■

قرآن کریم در آئینه کنش یک بانوی فرمانروا به انسان‌ها می‌آموزد، بنیاد گفتگو در اوج برخورداری از توانایی و توانگری و پشتیبانی یاران، چگونه جامعه‌ای را از فروپاشی می‌رهاند.

داستان‌های واقع‌نمای قرآن شکوهمند، روشن‌گر راههایی درخشان برای زندگی در پیچیده‌ترین چهره آن است، گفتگو در هنگامه‌های سخت و سرنوشت‌ساز. طرفه آن که تخم ستیزه‌ها و فروپاشی‌ها در سرزمینی افشاند می‌شود که راه گفتگو در زمینه‌های گوناگون بسته می‌شود.

گفتگو در میان کیش‌ها

نمادی دیگر از گسترش فرهنگ گفتگو در روابط میان پیروان ادیان، رهنمود جاوید قرآن در فرمان به پیامبر برای هموارسازی زمینه همزیستی‌بالنده و سازنده میان مسلمانان با پیروان ادیان دیگر است چنانکه می‌فرماید:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ. فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ.»^۴ بگو: ای اهل کتاب! بیایید بر پیامی که میان ما و شما برابر است هم‌داستان شویم که: جز خداوند را نپرستیم و چیزی را انباز او ندانیم و یکی از ما، دیگری را به جای خداوند، به خدایی نگیرد پس اگر روی گرداندند بگویید: گواه باشید که ما مسلمانییم.

در این رهنمود روشن‌گر خدایی، دامنه گفتگو را از درون اسلام باوران، فراتر برده، پیروان کتاب‌های آسمانی دیگر را هم بر محور پیام‌ها و باورهای یکسان یگانه‌پرستی، به کانونی فرا می‌خواند که از آن به الاهیات جهانی می‌توان یاد کرد، آن‌جا که بندهایی بنیادین و درخور پذیرش برای پی‌افکندن طرحی نو در متن روابط میان انسان‌ها پدید آورده، سنگ بنای صلح و آرامش جهانی را بر پایه باورمندی به پروردگار و در پی آن، زدودن چندگانه‌پرستی و سپس کنار نهادن برتری دینی استوار نهاده و پرستش انسان‌ها را سکوی پرش به سوی خدا می‌خواهد.

گفتگو با ناهمکیشان

دامنه گفتگو همچنان گسترده است و تا برآمدن همگرایی

انسانی به گونه‌ای ساماندهی می‌شود که به مشرکان و خدا ناباوران هم شانس همزیستی با مسلمانان و دیگر یکتاپرستان، می‌بخشد چنان‌که در گرماگرم فراخوان به دفاع و جلوگیری از چیرگی تبهکاران و ناسپاسان و بی‌دینان زورگو، پهنه همنشینی میان انسان‌ها را فراموش نکرده می‌فرماید:

«وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ ابْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ.»^۱ و اگر یکی از مشرکان از تو خواستار همسایگی شد، به او پناه بده تا سخن خدا را بشنود سپس او را به آرامشگاهش برسان این از آن روست که آنان مردمی‌اند که نمی‌دانند.

این آیه که در سوره توبه آمده است، در بردارنده پیام بی‌زاری خدا از چندگانه پرستان پیمان شکن و دستور به نبرد با زورگویان و تبهکاران است، به پایه‌ای استوار می‌پردازد تا سزاواری و حق کسی تباه نشود و اگر کسانی فارغ از هیاهوی زورگویان، سودای راستی و درستی در سردارند، شانس گفتگو برای دستیابی به حق را از دست ندهند.

قرآن کریم، در چارچوب‌های دستوری و چه در لابلای داستان‌های تاریخی، اصلی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. پس گفتگو، پدیده‌ای ریشه‌دار در آموزه‌های دینی برای پیشبرد کار راهنمایی و رویش‌های انسانی است.

این‌که رشته پیوند انسان با خدا، با کلام، ذکر و نیایش درهم آمیخته است، روشن‌گر آن است که تجربه جنبش‌های دینی یادآور کارکرد گفتگو در زندگی انسان و روندی برای شکوفایی توانایی‌ها و بازیابی گوهر تابناک هستی انسانی است.

پافشاری بر کاربست سخن در همه نیایش‌های انسانی و برون‌نمایی خواست‌ها، آرمان‌ها و آرزوهای انسان در سپهر هستی، گویای آن است که هیچ نیرویی در آفرینش انسان برتر از پدیده گفتگو، نیست، چنان‌که در سوره الرحمن، پس از کالای سترگ آفرینش انسان، به بیان، که در بردارنده نیاز و توانایی ویژه انسان در گفتگو با بیرون و درون خویشتن است، رهنمون می‌شود: «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ».

در جهانی سراسر آشفتگی و ناهمسازی، بازنگری گنجینه کهن، ماندگار و همواره نو، کتاب خدا سرمایه است که می‌تواند، بسیاری از کاستی‌های پیش رو را با بهسازی نگرش انسان‌ها کاهش دهد و کارایی خداپاوری را در مهار

در قرآن کریم، به گفتگو، رویکرد ابزاری نشده است، تنها به هنگام ناچاری بدان متوسل نشده است بلکه شیوه‌ای کارآمد برای پیشبرد هدفهای آفرینش به شمار آمده، پیش از کاربست هر ابزاری در گشایش کارها، به میان می‌آید.

موج‌های بنیان بر انداز ناهنجاری، به نمایش بگذارد؛ دریغی که پیروان آئین پاک یکتاپرستی، خود بیش از هر گروه و دسته دیگری گرفتار ستیزه‌های پایان ناپذیر و ویرانگر است.

نگاهی به چهره جهان، سیمای تیره‌ای از امروز و آینده دین باوران مسلمان، نشان می‌دهد و لرزه بر اندام هر دین دار دردمندی می‌افکند. به راستی چرا مسلمانان به جای فراخواندن مردم گیتی به زیبایی‌های آئینی، چنانکه

سرانجام

سرانجام، کاربست گفتگو در پهنه‌های گوناگون زندگی، چه در روزگار آرامش و آسایش و چه در هنگامه‌های تنگنا و جنگ و ستیز و چه در قلمرو رویارویی‌های اندیشگی و چه در میدان کردار و داد و ستد گروهی و چه در سپهر قانونگزاری و پی افکندن بنیان‌های بنیادین زندگی دینی و چه در جایگاه پیوندهای انسانی و خانوادگی، در جای‌جای

می‌بینید بیش از هر گروه دیگری، دست به خون
همدیگر می‌آیند؟

چرا پیشوایان دینی کمتر از گذشته، در دگرذیسی‌های
اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، کارآمدند؟

پاسخ این پرسش‌ها را شاید بتوان در پرتو این جستار،
به یاد آورد که گمشده امروز بازار دین‌داری، نگرش و
منش گفتگوست. باری گفتگو افزون بر گنجینه دینی
و تاریخی نیازمند بسترهای اجتماعی و برجسته‌تر از
آن، درون مایه، خوی و روحیه گفتگو است.

بر همه دانایان این روزگار است که به پویایی،
کوششی و جنبشی همه گیر، روی آورند و جامعه
آسیب دیده را از فروپاشی اخلاقی و کابوس تیرگی‌ها و
ناروایی‌ها برهانند که ریشه در بستن راه‌های گفتگو
میان انسان‌ها دارد

این جستار بر آن بود که دامنه پیام‌های خدا در
پهنه‌ای گسترده‌تر برسد و شمار بیشتری از پیام‌های
خدایی را در باره شیوه‌های گفتگو، گفتگو چون روش،
آرمان‌ها در پی گفتگو و بایستگی‌ها و زمینه‌های
گفتگو را از دید آیات خدا فرانماید. دریغا که این دسته
از نام‌ها برای پژوهش، قلمروی گسترده‌تر می‌جوید و
گنجایشی فراختر از مجله ارجمند صفیر حیات برای
پی گیری پژوهش‌های هرچه ریشه‌ای‌تر.

پانوشته‌ها:

۱. مجادله، ۱.
۲. التفسیر المنیر، ۱۲/۲۸.
۳. نمل، ۳۵ - ۲۹.
۴. آل عمران، ۶۴.
۵. توبه، ۶.

■
**چون قلمرو قانونگذاری
از آن خداست و خود
پروردگار آن را از راه
گفتگو به بندگانش
می‌آموزد، می‌تواند این
بنیان استوار را، در
زمینه‌های دیگر زندگی
که رویه فرادینی دارد،
گسترش دهد.**
■